شهید قاسم سلیمانی | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده | سیدحسن نصرالله

شهدای نخبه‌ای که کمر آمریکا را شکستند

گفتمان نیروهای مسلح

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران به دست دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، حماسه عظیمی بود که به انقلاب دوم شهرت یافت. این حماسه از یک‌سو باعث شکست ابهت پوشالیِ شیطان بزرگ و ذلتش گردید و از سوی دیگر با افشا و انتشار اسناد لانه جاسوسی، آبروریزی و فضاحتِ بی‌سابقه‌ای در جهان برای آمریکای جهانخوار و جنایتکار رقم زد. حدود ۴۰۰ دانشجوی دختر و پسر با عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی و وقایع بعد از آن مانند حفاظت از لانه جاسوسی و گروگان‌ها، ترجمه اسناد به‌دست آمده و... مشارکت داشتند که بعدها بالغ بر ۳۰ نفر از آنان در جریان هشت سال دفاع مقدس و حوادث دیگر به شهادت رسیدند.

در آستانه سالگرد یوم الله ۱۳ آبان یادی می‌نماییم از این شهدای نخبه که در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی کمر آمریکا را شکستند.

پیشتازان شهادت در میان فاتحان لانه جاسوسی

شهید فضل‌الله میرعابدینی دانشجوی دانشگاه تهران بود که به همراه شهید چمران در دفاع از سوسنگرد حضور یافت و در ۲۱ آبان ۱۳۵۹ به شهادت رسید. او به عنوان نخستین شهید از میان دانشجویان پیرو خط امام بود که در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی نقش‌آفرینی کردند.

شهید حسین میرسلطانی جوان‌ترین دانشجوی فاتح لانه جاسوسی آمریکا، دومین شهید از میان دانشجویان پیرو خط امام، اولین شهید دانشگاه صنعتی شریف در دفاع مقدس و اولین فرمانده آموزشگاه سیدالشهدا(ع) تبریز (خاصبان) است. حسین در ۲۰ آبان ۱۳۵۹ به جبهه رفت و در ۲۷ آبان ۱۳۵۹ مصادف با روز تاسوعای حسینی در سوسنگرد به شهادت رسید.

شهدای مفقودالاثر

شهید حبیب برادران توکلی در سال ۱۳۵۶ درکنکور سراسری با رتبه عالی در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران پذیرفته شد. گاهی به مناطق محروم می‌رفت و طبابت می‌کرد. بعد از حضور در جبهه، سه روز قبل از عاشورای حسینی در ۲۵ آبان ۱۳۵۹ در منطقه سوسنگرد هنگام عبور از کانال با اصابت خمپاره به شهادت رسید و شهید مفقودالاثر و میهمان ویژه حضرت فاطمه زهرا(س) شد.

شهید محمدحسین بهادری‌فر در رشته فیزیک در دانشکده علوم پایه دانشگاه شهید بهشتی تحصیل کرد و پس از حضور در جبهه در فروردین‌ماه ۱۳۶۱ در عملیات فتح‌المبین به شهادت رسید و شهید مفقودالاثر و میهمان ویژه حضرت فاطمه زهرا(س) گردید.

شهدای هویزه

پنج شهید از دانشجویان پیرو خط امام از شهدای هویزه هستند. شهید سید محمدحسین علم‌الهدی پرچمدار شهدای هویزه است. سید محمدحسین در دوران طاغوت در شهرهای مختلف مبارزات گسترده و جانانه‌ای علیه رژیم ستمشاهی انجام داد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی برای استقبال از امام خمینی(ره) به تهران آمد و یکی از محافظان مسلح مخصوص امام شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در کمیته انقلاب اسلامی که در اهواز تشکیل شد، نقش اساسی داشت و برای مدتی هم مسئولیت کمیته انقلاب مستقر در کاخ استانداری خوزستان را به عهده داشت؛ همچنین عضو اولین شورای تشکیل‌دهنده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خوزستان بود.

بعد از شروع جنگ تحمیلی، سید محمدحسین به‌عنوان فرمانده سپاه هویزه در دفاع مقدس شرکت کرد و در ۲۲ سالگی در عملیات نصر به شهادت رسید.

شهید علم‌الهدی در روز اربعین فرماندهی ۶۰ تن از برادران پاسدار را برعهده داشت. این گروه به‌عنوان گروه پیشتاز به جنگ با دشمن می‌پردازند که در محاصره ۴۰تانک دشمن قرار می‌گیرند و پس از ساعاتی مبارزه با دشمن، بر اثر اتمام مهمات و تشنگی و گرسنگی، یکی‌یکی به شهادت می‌رسند؛ آخرین نفر شهید سید حسین علم‌الهدی بود که با آر.پی.جی خود ۳تانک را منهدم کرد و با فریاد «الله اکبر» در حالی که قرآن در دست داشت در ۱۶ دی ۱۳۵۹ حسین‌وار در کربلای هویزه به شهادت رسید.

پیکر شهدای هویزه چند سال بعد کشف گردید و در یادمان شهدای هویزه در ۴۵ کیلومتری اهواز به خاک سپرده شدند. این یادمان یکی از پرشورترین و معنوی‌ترین و نورانی‌ترین و پربازدیدترین یادمانهای دفاع مقدس است که هر سال پذیرای خیل عظیم زائران و عاشقان سرزمین نور است.

شهید فرخزاد سلحشور در رشته شیمی دانشگاه رازی کرمانشاه تحصیل نمود و از جمله دانشجویان پیرو خط امام است که هم در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا حضور داشت و هم در عملیات نصر به همراه شهید علم‌الهدی به شهادت رسید و مزارش در یادمان شهدای هویزه است.

شهید علی حاتمی نیز از فاتحان لانه جاسوسی و شهدای هویزه است. وی در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران تحصیل نمود. شهید حاتمی از مهم‌ترین افرادی بود که در راه طرح بازسازی و راه‌اندازی مجدد وزارت فرهنگ و هنر سابق در قالبی جدید و مطابق با ارزش‌های جامعه اسلامی کوشید، وزارت خانه‌ای که امروز آن را با عنوان «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» می‌شناسیم. بعد از شروع جنگ تحمیلی و حمله رژیم بعث عراق به ایران اسلامی، وی به نیروهای شهید علم‌الهدی در سپاه هویزه پیوست و در عملیات نصر به شهادت رسید و مزارش در یادمان شهدای هویزه است.

شهید دیگر از فاتحان لانه جاسوسی و یاران علم‌الهدی، شهید محمد فاضل است که در رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف تحصیل نمود.

شهید دیگر از این جرگه، شهید جمال دهشور است که در سال ۱۳۵۶ با رتبه دو رقمی به دانشگاه تهران راه یافت و در رشته شیمی مشغول به تحصیل شد. پس از پیروزی انقلاب از رشته شیمی به رشته داروسازی تغییر رشته داد.

شهدای دانشگاه تهران

شهید مهدی رجب‌بیگی دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران در رشته مهندسی راه و ساختمان بود. رجب‌بیگی مسئولیت‌های حساس و بزرگی را همچون مسئولیت برگزاری و انجام گردهمایی جنبش‌های آزادیبخش جهان در تهران و نمایندگی دانشجویان خط امام در گردهمایی جنبش‌های آزادیبخش را به عهده داشت. وی در روز ۵ مهر ۱۳۶۰ که اعضای سازمان منافقین با اسلحه در تهران با مردم و مدافعین انقلاب درگیر شدند، با سلاح گرم به مقابله با آنان شتافت و به شهادت رسید.

شهید حسین شوریده در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه تهران تحصیل نمود. وی وارد جهاد سازندگی شد و بازویی برای شورای مرکزی جهاد بود و به کمک چندتن از برادران، بخش امور استان‌های جهاد سازندگی را پی‌ریزی کرد. وی مسئول گردان مهندسی رزمی جهاد سازندگی بود و در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ در عملیات بیت‌المقدس در منطقه شلمچه به شهادت رسید.

شهید هوشنگ ترکاشوند ورودی سال ۱۳۵۴ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است که در ۸ اسفند ۱۳۶۲ در جریان عملیات خیبر در جزیره مجنون به شهادت رسید. در بیست‌ودومین مراسم سالگرد شهادتش که در سال ۸۴ و با عنوان یادواره شهدای دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد، جمعی از دوستان شهید و استادان این دانشکده مقرر کردند هرساله روز هشتم اسفند، سالروز این شهید بزرگوار به نام شهدای دانشکده ادبیات نام‌گذاری شود.

شهید مهدی قلی جوزی نجف‌آبادی در رشته کارشناسی اقتصاد دانشگاه تهران تحصیل نمود. وی تابستان ۵۹ به صدای جمهوری اسلامی وارد شد و با قلم ساده و گویا و صریح خود برای برنامه‌های کارگر و آینده‌سازان و پاسداران انقلاب مطلب می‌نوشت. پس از مدتی به سردبیری برنامه نقد و بررسی مطبوعات انتخاب شد. وی به سپاه پاسداران پیوست و به جبهه رفت و در دی ماه ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

شهدای دانشگاه شهید بهشتی

حسن سیف دانشجوی رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه شهید بهشتی بود. مدها در جبهه حضور داشت و سرانجام برای آخرین بار در عملیات خیبر عازم جبهه شد و در اسفندماه ۱۳۶۲ به شهادت رسید.

شهید اسدالله شیران در رشته برنامه‌ریزی کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد. وی عضویت در جهاد دانشگاهی اصفهان، مسئولیت در واحد کامپیوتر اداره برق اصفهان، عضویت در سپاه سیستان و بلوچستان، عضویت سپاه تهران را در کارنامه دارد. اسدالله شیران در ۳۱ تیر ۱۳۶۱ در شلمچه و در عملیات رمضان به شهادت رسید.

شهید کمیل میرزازاده در رشته زیست‌شناسی بیولوژی در دانشکده علوم پایه دانشگاه شهید بهشتی تحصیل نمود. پس از انجام چند مأموریت در جبهه‌های غرب و جنوب کشور، به عنوان فرمانده شهر بوکان در کردستان آشوب‌زده آن روز مشغول خدمت گردید و بالاخره در فروردین ماه ۱۳۶۲ در جریان آزادسازی جاده بوکان- مهاباد به شهادت رسید.

شهید محمد جعفر ذاکر در رشته کارشناسی اقتصاد در دانشگاه شهید بهشتی تهران تحصیل نمود. مدتی به عنوان معلم در محله‌های جنوب شهر تدریس نمود. از ابتدای ورودش به سپاه در هر فرصت مناسب به جبهه شتافت. آخرین بار که قرار بود برای جبهه، تدارکات، پشتیبانی و نیرو عازم نماید، در ۲۲ مهر ۱۳۶۵ با سمت معاون قرارگاه بر اثر سانحه رانندگی در جاده اراک به شهادت رسید.

شهید سید احمد رحیمی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران تحصیل نمود. فرماندهی سپاه پاسداران بیرجند، عضویت در شورای سپاه منطقه ۴ خراسان و سرپرستی واحد اطلاعات از جمله سوابق وی است. سید احمد رحیمی در فروردین ۱۳۶۲ در عملیات والفجر چندین‌تانک دشمن را منهدم نمود و در حال انتقال مجروحان بود که مورد اصابت گلوله تانک قرار گرفت و به شهادت رسید.

شهدای دانشگاه امیرکبیر

شهیدغلامحسین احمدی ورودی سال ۱۳۵۵ در رشته مهندسی الکترونیک در دانشگاه امیرکبیر است که در جنگ تحمیلی در منطقه عین‌خوش در عملیات محرم در آبان ماه ۱۳۶۱ به شهادت رسید.

شهید سید احمد کدخدازاده در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه امیرکبیر تحصیل نمود. در جبهه در گردان بلال دزفول بود و در خردادماه ۱۳۶۱ در منطقه شلمچه به شهادت رسید.

شهید جلیل شرفی دانشجوی رشته مکانیک دانشگاه امیرکبیر تهران بود. در سال چهارم دانشگاه درس می خواند که از طریق سپاه پاسداران به جبهه اعزام شد. حدود دو ماه در جبهه خدمت نمود تا اینکه مردادماه ۱۳۶۲ در عملیات والفجر۳ در منطقه مهران به شهادت رسید.

شهید عبدالرحمان یاعلی مدد با نمره ۲۰ به‌عنوان شاگرداول استان بوشهر مدرک دیپلم گرفت. پس از اخذ دیپلم، برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی عمران بدون کنکور وارد دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران شد و بعدها مدرک گرفت. بعد از گذشت شش‌ماه، استادیار دانشگاه گردید. عبدالرحمان یاعلی مدد در شهریورماه ۱۳۶۰ در سوسنگرد به شهادت رسید.

شهید علیرضا هادی‌پور در رشته مهندسی معدن دانشگاه صنعتی امیرکبیر تحصیل نمود و در ۲۵ بهمن ۱۳۶۱ در جبهه به شهادت رسید.

شهید علی صبوری قمی در رشته مهندسی معدن دانشگاه امیرکبیر تحصیل نمود. وی از اعضای جهاد دانشگاهی صنعتی امیرکبیر بود که علاوه بر خدمات فرهنگی و نقش‌آفرینی در ماجرای لانه جاسوسی، در هنگام شهادت مسئولیت مهندسی رزمی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) را بر عهده داشت. کتابخانه فنی و مهندسی دانشگاه صنعتی امیرکبیر به نام این شهید گرانقدر مزین شده است. علی صبوری در اسفندماه ۱۳۶۲ در طلاییه و در عملیات خیبر به شهادت رسید.

شهید غلامحسین بسطامی در رشته مهندسی راه و ساختمان در دانشگاه امیرکبیر تحصیل نمود. فرماندهی سپاه سوسنگرد و مسئولیت مهندسی رزمی تیپ سیدالشهدا(ع) از جمله سوابق وی است. غلامحسین بسطامی در ۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ مصادف با ۱۳رجب و سالروز تولد امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) در فکه در عملیات والفجر۱ به شهادت رسید.

شهدای دانشگاه علامه طباطبائی

شهیدحاج عباس ورامینی دانشجوی رشته مددکاری اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبائی بود. ورامینی مسئولیت آموزش تاکتیک کمیته انقلاب اسلامی را برعهده گرفت. سپس به جمع جهادگران پیوست و فی‌سبیل‌الله برای کشاورزان در سیستان و بلوچستان کار کرد. در تسخیر لانه جاسوسی به عنوان اولین نفر وارد سفارت شد. وی مسئول آموزش نظامی لانه بود و بعد از واقعه طبس و لزوم آموزش نظامی دانشجویان، با هماهنگیِ آیت‌الله خامنه‌ای تجهیزات نظامی آموزشی دریافت می‌نمود و به آموزش دانشجویان پیرو خط امام مبادرت می‌ورزید. در سال ۱۳۵۸ به عضویت سپاه درآمد. در جبهه در عملیات‌های بسیاری شرکت نمود. در سال ۱۳۶۱ به دستور شهید حاج محمد ابراهیم همت و حاج احمد متوسلیان به فرماندهی ستاد لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) منصوب شد. بعدها مسئول ستاد سپاه ۱۱ قدر و قرارگاه نجف اشرف شد و در عملیات والفجر۴ در منطقه پنجوین ارتفاعات کانی‌مانگا در آبان ماه ۱۳۶۲ به شهادت رسید.

شهدای دانشگاه صنعتی شریف

شهیدمحسن وزوایی دانشجوی رشته شیمی در دانشگاه صنعتی شریف بود. وی مدتی در سپاه فرماندهی مخابرات و مدتی سرپرستی واحد اطلاعات- عملیات را به عهده گرفت. با شروع جنگ تحمیلی به جبهه‌های حق علیه باطل شتافت و در عملیات‌های متعدد با مسئولیت‌های گوناگون حضور داشت که فرماندهی گردان حبیب‌بن‌مظاهر در تیپ محمّد رسول‌الله(ص) و فرماندهی تیپ ۱۰ سیدالشهدا از جملهٔ آنهاست. محسن وزوایی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ در عملیات بیت‌المقدس به شهادت رسید.

شهید مجید مؤذن صفایی در رشته مهندسی صنایع دانشگاه شریف تحصیل نمود و در مراکزی از جمله سپاه، جهاد دانشگاهی، ستاد انقلاب فرهنگی همکاری می‌نمود و در زمان نخست‌وزیری شهید رجایی در نخست‌وزیری به کار مشغول شد و پست مهم و حساسی هم در وزارت خارجه به وی محول گردید. مجید مؤذن صفایی در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ در عملیات بیت‌المقدس در دارخوین به شهادت رسید.

شهید محسن ماندگار ورودی سال ۱۳۵۵ مهندس متالورژی دانشگاه صنعتی شریف است. وی در اواخر تابستان سال ۱۳۵۹ به قسمت فنی جهاد رفت و کار بر روی ماشین‌های نساجی کوچک را آغاز کرد و سپس در جهاد دانشگاهی فعالیت‌های صنعتی را ادامه داد و با طرح قالب‌های شیشه و ساخت قطعاتی که مورد نیاز شدید کارخانه شیشه و گاز بود، توان علمی و تخصصی خویش را در سنگر مبارزه اقتصادی با آمریکا به کار گرفت و این فعالیت‌ها با عضویت در هیئت‌مدیره شرکت تأمین ماسه ریخته‌گری ایران ادامه یافت و آخرین کار در این زمینه، فعالیت برای ریخته‌گری پوسته خمپاره و ساخت مدل آن بود. محسن ماندگار در شامگاه ۲۸ آبان سال ۱۳۶۲ در ارتفاعات کانی‌مانگا به شهادت رسید. مهندس شهید محسن ماندگار از سوی سازمان بسیج مهندسین صنعتی به عنوان شهید شاخص سال ۱۳۹۵ معرفی شد.

شهید سید جمال میرامیرخانی در رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف تحصیل نمود و در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ در عملیات بیت‌المقدس به شهادت رسید.

شهید محمد بهبهانی ورودی سال ۱۳۵۸ به دانشگاه صنعتی شریف در رشته مهندسی عمران است که در ۱۳ آبان ۱۳۶۲ در عملیات والفجر۴ در منطقه پنجوین عراق به شهادت رسید.

شهید ناصر فولادی در رشته مهندسی مواد دانشگاه صنعتی شریف تحصیل نمود. در صف پاسداران انقلاب راهی کردستان شد. بعدها بخشدار جبال بارز استان کرمان و مسئول تربیت بدنی سپاه منطقه۶ کشور گردید. ناصر فولادی در روز آخر عملیات بیت المقدس یعنی سوم خرداد ۱۳۶۱ به شهادت رسید.

شهید بهروز سلطانی در رشته مهندسی صنایع دانشگاه صعتی شریف تحصیل نمود و در ۴ خرداد ۱۳۶۱ در خرمشهر و عملیات بیت‌المقدس به شهادت رسید. شهید محمد بولوردی در رشته فیزیک دانشگاه صنعتی شریف تحصیل نمود و در فروردین ماه ۱۳۶۲ در منطقه فکه در عملیات کربلای۱ به شهادت رسید.

سایر شهدا

شهید افریدون صدری فارغ‌التحصیل مهندسی شیمی دانشگاه شیراز است که در آبان ماه ۱۳۶۰ در تپه‌های الله اکبر در سوسنگرد به شهادت رسید.

شهید حسین اقدامیان در رشته مهندسی عمران در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی تحصیل نمود. بعد از تعطیلی دانشگاه‌ها به عنوان یک فرد انقلابی در دفتر فنی استانداری تهران شروع به‌کار کرد و زحمات زیادی در مورد ساختن چندین دبستان و حمام در جنوب شهر تهران و حومه اطراف تهران کشید. پس از مدتی کار و کوشش در استانداری، مدتی در دفتر بررسی نیروی انسانی آموزش و پرورش فعالیت نمود. بیش از یک سال هم درس طلبگی خواند. سرانجام حسین اقدامیان در مهرماه ۱۳۶۱ در جبهه سومار و عملیات مسلم ابن عقیل به شهادت رسید.

شهید دکتر رحمان دادمان کارشناسی ارشد در رشته مهندسی عمران از دانشگاه تهران و مدرک دکترا در رشته راه و ساختمان از دانشگاه منچستر در انگلستان داشت. با شروع جنگ تحمیلی مشارکت فعالی در همه عرصه‌های دفاع مقدس داشت. دکتر دادمان در جنگ و بعد از جنگ در سمت‌های مختلفی در سپاه و جهاد سازندگی به انجام وظیفه در نظام مقدس جمهوری اسلامی پرداخته است. مدتی نیز به عنوان مدیرعامل شرکت شیلات جمهوری اسلامی ایران فعالیت نموده است. آخرین سمت وی وزیر راه و شهرسازی در دولت هفتم بود. دکتر دادمان در ۲۷ اردیبهشت سال ۱۳۸۰ در حالی که برای انجام مأموریت اداری و بازدید از پروژه‌های وزارت راه و ترابری دراستان گلستان عازم این استان بود، در سانحه سقوط هواپیمای یاک ۴۰ همراه تعدادی دیگر از همراهان خویش به شهادت رسید. مراسم تشییع پیکرهای شهید دکتر رحمان دادمان وزیر راه و ترابری و جمعی از مسئولان این وزارتخانه و هفت تن از نمایندگان استان گلستان و دیگر همراهان از مقابل مجلس شورای اسلامی و با حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی برگزار شد.

طوفان انسان؛ تحقیر تکنیک

حجت‌الاسلام محمدصادق حیدری(عضو هیئت‌علمی حسینیه اندیشه)

یک) دارد با خبرنگار صحبت می‌کند ولی گویا به جای او، «یک واقعیت ملموس» است که تمام نگاهش را پر کرده؛ واقعیتی ایمانی که برخلاف همه محاسبات، محقق شده و وجودش را سرشار کرده از یقین. همان درجه‌دار ارتشی را می‌گویم که تلویزیون در شب و روز سوم خرداد، تصویر مصاحبه‌اش را در کنار مسجد جامع خرمشهر پخش می‌کند که دارد با تمام وجود می‌گوید: «امروز روز غلبه ایمان بر تکنیک است.» انگار دانش جنگ را به خوبی در دانشکده افسری یاد گرفته و محوریت «سخت‌افزار» در جنگ‌های امروزین را به خوبی درک کرده و خبر دارد که چطور برتری سخت‌افزاری دشمن، موجب شکست عملیات‌های کلاسیک ما شده و علی‌رغم همه اینها، حالا عملیات غیرمتداول و پیروزی بزرگی را شهود کرده که در آن «انسان»، محوریت سخت‌افزار را کنار زده و «ایمان»، تکنولوژی موجود را به تزلزل درآورده است. آن هم نه یک ایمان فردی غوطه‌ور در مجرّدات؛ که یک «شهادت‌طلبی مُرکّب و سازمان‌یافته» که روش جنگیدن را تغییر داده و یک واقعیت جدید و بی‌سابقه را پدید آورده و علی‌رغم استفاده از «ابزار»، تعریف و کارکرد جدیدی به آن بخشیده و تکنولوژی متناسب با خودش را طلب کرده... مثل همان قایق‌هایی که بر محور عنصر شهادت‌طلب، موتورهای پرسرعت را به خود ضمیمه کرد و کارآمدی ناوهای میلیاردی آمریکایی را زیرسؤال برد و «نادر مهدوی»هایی را سر دست گرفت که به تعبیر رهبری «اگر متعلق به کمونیست‌ها بود، یک چه‌گوارا از او درست می‌کردند.»

دو) دارد با مُجری صحبت می‌کند اما انگار به جای او، یک «واقعیت ملموس» است که نگاهش را پر کرده؛ واقعیتی جدید که برخلاف همه محاسبات، محقق شده و وجودش را سرشار کرده از اضطراب. «توماس فریدمن» همان ستون‌نویس معروف روزنامه نیویورک‌تایمز را می‌گویم که متخصص سیاست خارجی است و سه‌بار جایزه «پولیتزر» را برده و دارد به «فرید زکریا» می‌گوید: «ما نیاز داریم بفهمیم که چگونه یک گروه بسیار کوچک و مسلح به حداقل فناوری موردنیاز، توانسته یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان از نظر فناوری را غافلگیر و بر آن غلبه کند.» همکارانش در «پولیتیکو» هم در گزارشی با عنوان «شکست فناوری اسرائیل» این‌طور نوشتند: «روز شنبه دیوار امنیتی یک میلیارد دلاری اسرائیل در مرز غزه، با بولدوزرهای ساده و پاراگلایدرهای مسلح حماس شکسته شد... باعث بازنگری شگفت‌آور درباره یکی از بزرگ‌ترین نقاط غرور اسرائیل یعنی پیچیدگی فنی آن شد... این حمله همچنین موجی از شوک را بر نهادها و شرکت‌های دفاعی در واشنگتن و اروپا وارد کرد به‌ویژه به این دلیل که اسرائیل به تامین‌کننده کلیدی فناوری امنیتی و دفاعی در سراسر غرب تبدیل شده است... از منظر اقتصادی و امنیتی عدم تطابق تکنولوژیک بین اسرائیل و حماس خیره‌کننده است... اسرائیل یکی از متخصص‌ترین و مولدترین اقتصادهای با فناوری پیشرفته در جهان است. در ماه ژوئن اینتل سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیارد دلاری را در یک کارخانه جدید اعلام کرد که قرار است در سال ۲۰۲۷ در اسرائیل افتتاح شود. در ماه مارس سال جاری مقام‌های شهر تل‌آویو اعلام کردند که آن شهر رتبه پنجم را در بین شهرهای جهان در عرصه ایجاد شرکت‌های استارت‌آپ میلیارد دلاری از آن خود ساخته است... فناوری امنیتی بالاترین بخش فناوری در اسرائیل بوده... بخش دیگر پیچیدگی غیرمنتظره عملیات حماس بود... این حمله نشان داد که چگونه حماس توانسته است زرادخانه فناوری خود را در مرز ایجاد کند و از رصد رقیب قدرتمندتر اسرائیلی خود فرار کرده است... در حالی که سرویس تلفن همراه در غزه با اینترنت نسل دوم یا 2G کار می‌کند که بسیار عقب‌تر از فناوری اینترنت نسل چهارم و پنجم یا 4G و 5G در اکثر کشورهای غربی است».

سه) تکنولوژی‌ای که بر انسان حاکم شده بود و به‌عنوان معیار تنظیم «روابط اجتماعی» شناخته می‌شد و به نام «اخلاق حرفه‌ای» حتی روحیات فردی انسان را به تبع خود تعریف می‌کرد، پس از انقلاب اسلامی با عصیانگری «انسان باایمان» مواجه شد و در کارزار «تأمین امنیت سیاسی» از نیروی شهادت‌طلب شکست خورد و تحلیلگران زیادی را که با تکیه به قدرتش، همواره حذف فیزیکی جمهوری اسلامی را در چند ماه آینده پیش‌بینی می‌کردند، از کار بی‌کار کرد. حالا دیگر یقین نورانی آن درجه‌دار ارتشی در سوم خرداد شصت‌ویک، به اضطراب جمعی کارشناسان مادی در هفت اکتبر دوهزاروبیست‌وسه تبدیل شده و اسطوره‌های ایرانی در دفاع مقدس، بعد از قنوت‌های معطر به «کثّر به قلّتنا»شان، مستجاب‌الدعوه شده‌اند و حماسه حماس رقم خورده و انسان شهادت‌طلب تکثیر شده و شکست فناوری تعمیم پیدا کرده و فلسطینی‌های دست‌بسته را به مهاجمان مبسوط‌الید ارتقاء داده. یعنی در همان زمانه‌ای که «حذف نیروی انسانی از خطوط تولید» و «حرکت جهانی به سمت اتوماسیون» و «آینده آکنده از هوش مصنوعی» گوش فلک را کر کرده، قدرت ایمانی که به ابزار و تکنیک جهت‌دهی کرده، کارشناس «پولیتیکو» را به این فکر انداخته: «شاید آنچه رخ داده این باشد که اسرائیلی‌ها بیش از اندازه به فناوری خود متکی شده‌اند و باید به برخی از تکنیک‌های قبلی‌شان یعنی نفوذ مؤثر با استفاده از ابزارهای انسانی بازگردند.» همین‌جاست که قساوت اسرائیل در غزه موجه می‌شود: خطر بزرگ‌تر شده و انسان گستاخی بیشتری نشان داده؛ پس تقلای تکنیک برای ساکت‌کردن چنین انسان‌هایی شدت گرفته و باید در «المعمدانی» و سایر نقاط غزه از آنها انتقام کشید تا معادله بین انسان و تکنولوژی تغییر نکند.

چهار) تکنولوژی بیشتر از آنکه در جنگ و سیاست و امنیت به‌کار برود، در اقتصاد سروری می‌کند و دل می‌بَرَد و هوش از سر می‌پراند. اما جامعه‌ای که «شهادت‌طلبی» به خود دیده، با این سروری و دلبری کنار نمی‌آید و اقتصادش به راه نمی‌افتد و دل به «رونق تولید با انگیزه مصرف مسرفانه و مترفانه» و «کنترل مصرف با فاصله طبقاتی سرمایه‌سالارانه» نمی‌دهد. پس اگر «شهادت‌طلبی سازمان‌یافته» در جنگ، به «قناعت‌خواهی سازمان‌یافته» در اقتصاد عمق یابد و انگیزه دینی، «تولید شدید همزمان با مصرف محدود» را به اخلاقی ملی تبدیل کند و «امنیت سیاسی» برآمده از انقلاب، به ایجاد «امنیت اقتصادی» از جنس خود موفق شود، آن وقت است که حاکمیت انسان بر تکنیک به مراحل اصلی‌اش می‌رسد و ناسازگاری‌های درونی جای‌شان را به هماهنگی و انسجام می‌دهند. همان موقع است که شمشیر «انتقام سخت» تیز خواهد شد و دست‌ها با خیال راحت به روی ماشه خواهند رفت... فاخذهم الطوفان و هم ظالمون...

پوتین به پا کن سردار...

مروری بر کتاب «سرباز؛ قاسم سلیمانی» (زندگی‌نامهٔ مستند سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی)

مریم عرفانیان

همه‌چیز از «قنات ملک» شروع می‌شود؛ روستایی دورافتاده که زادگاه قهرمانی است از عشیره سلیمانی.

سرداری که مرد ایل و کوچ است؛ اما جایش فراتر از کوه و دشت و دمن است.

سرداری که در یادها ماندگار می‌شود؛ از همان کودکی ماندگار می‌شود... مگر می‌شود کودکی غذای خود را به دیگر دانش‌آموزانی که اوضاع مالی خوبی نداشتند بدهد و در خاطر همولایتی‌هایش نماند؟

قاسم سیزده چهارده‌ساله، عازم کرمان می‌شود تا در تأمین مخارج خانواده کمک‌خرج پدر باشد؛ ره‌توشه‌اش یک سارق است و ۵ تومان پول. قد کوچک و جثه نحیفش، باعث نمی‌گردد که نتواند کار و باری جور کند و می‌شود کارگر ساختمان و بعدتر شاگرد رستوران کسری.

و غیرت قاسم ورزشکار، اولین بار به خاطر دفاع از ناموس به جوش می‌آید و با پاسبان سر چهارراه درگیر می‌شود. کمی بعد، در مشهد، تصویر امام را می‌بیند و آنچه سبب ارتقای دانش عقیدتی سیاسی‌اش می‌گردد، تأثیر افکار سه روحانی مبارز است: آیت‌الله شیخ عباس حقیقی، سید رضا کامیاب و علی‌اصغر صالحی... و این‌جا سرآغاز مبارزات سیاسی و شعارنویسی قاسم است.

تصویر امام، آیینه روزانه او می‌شود و روزی چند بار به آن نگاه می‌کند و انرژی می‌گیرد.

صبح ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، ورود امام یکی از حوادثی است که هیچ‌گاه از حافظه «قنات ملک» پاک نخواهد شد. روزی که قاسم از اهالی خواست گرد هم جمع شوند تا از رادیو در جریان ورود امام قرار بگیرند و پیشنهاد کرد به مناسبت ورود امام سجده شکر به‌جای آورند...

و چه کسی فکر می‌کرد، قاسم با آن هیکل ورزشی، پیراهن آستین‌کوتاه و چسبان، موهای وزوزی و کمربند پهن که یک‌مرتبه هم رد صلاحیت شده بود، بشود پاسدار و کمتر از یک سال به عضویت رسمی سپاه دربیاید؟

آری، حاج قاسم را باید شناخت، با عملیات شهید چمران، وقتی به خط می‌رود و مجروح می‌شود و با همان لباس بیمارستان و در وضعیت زخمی دوباره خودش را به عملیات می‌رساند.

حاج قاسم را باید در ۸ سال دفاع مقدس شناخت، در سوسنگرد و زمان عملیات طریق‌القدس و آزادسازی بستان، در دشت عباس و ارتفاعات شمالی آن و عملیات کربلای۲ (فتح‌المبین)، در عملیات بیت‌المقدس و... در هشت سالِ جنگ. او را باید از سال ۶۰ که ۲۳ سال داشت و فرماندهی گروه رزمی کرمان را به عهده گرفت تا پایان جنگ که در آستانه ۳۱سالگی بود و فرمانده لشکر بزرگ ثارالله، شناخت.

با پایان جنگ اما فرهنگ‌سازی حاج قاسم پایان نیافت؛ او در فکر تربیت اخلاقی و رفتاری و رزمی سربازان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود.

حاج قاسم همواره پنج ویژگی از فرماندهان شهید دوران دفاع مقدس را برمی‌شمرد که متأثر از معنویات و رفتار عملی امام خمینی(ره) بود؛ معنویت و اخلاص، خستگی‌ناپذیری، شهادت‌طلبی، تعبد و ولایت‌پذیری، خضوع و افتادگی. پایان جنگ، برای حاج قاسم پایان جهاد نبود؛ چراکه این بار مبارزه با اشرار را سرلوحه کارش قرارداد. اشراری که از هیچ جنایتی دریغ نمی‌کردند.

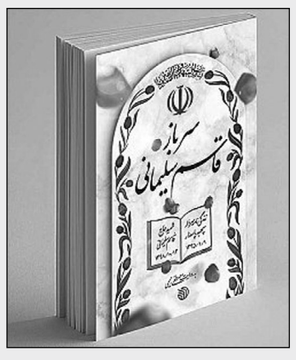

و حاج قاسم در سال ۷۶ شد فرمانده نیروی قدس. جعفر اسدی که آن زمان جانشین نیروی زمینی بود، دراین‌باره می‌گوید: «خیلی دلم تنگ قاسم بود. یک روز رفتم نیروی قدس. برای اولین بار قاسم را پشت میز دیدم.» با مزاح گفتم: «پشت‌میزنشین شده‌ای؟» گفت: «اسدی این مدت نشستم برنامه‌ها را نوشتم. از هفته آینده ان‌شاءالله شروع می‌کنم. خواهی دید.»

آری، حاج قاسم، پشت‌میزنشین نبود، بلکه مرد میدان عمل بود. او مأموریت داشت در شکل‌گیری و حمایت از هسته‌های مقاومت در جای‌جای جهان اسلام با تمام توان بکوشد. آن چیزی که نیروی قدس انجام می‌دهد دارای این معانی هست: مقابله با ظلم، مقابله با دشمنان اسلام، دفاع از اسلام، ترویج اسلام، ترویج فرهنگ اسلامی.

به‌مرور که سطر سطر کتاب را می‌خوانیم و پیش می‌رویم، هزاران نکته از شخصیت پرتلاش و خستگی‌ناپذیر حاج قاسم برایمان روشن می‌شود.

حاج قاسمی که جهانش بدون مرز است؛ او در افغانستان